

حسین بشیریه

احیای علوم سیاسی

گفتاری در پیشه سیاستگری



دبیاچه

هدف از نگارش این کتاب شرح و نقد جایگاه دانش سیاست و سیر دگرگونی‌های آن در گذار تاریخ است. بهتر است برای روشن کردن مطلب، گفتار را با اشاره‌ای به تجربه تحصیلی و آموزشی و پژوهشی خود در طی چهل و چند سال گذشته آغاز کنم. این اشاره بیشتر برای شرح و بیان احساس ناکامی‌های نگارنده نسبت به سرشت و محتوای علوم سیاسی صورت می‌گیرد اما هدف از آن، آماده کردن زمینه برای کوشش در راه بهسازی و احیاء این علوم است. در آغاز دهه ۱۳۵۰ تحصیل در علوم سیاسی را آغاز کردم. دانشجویی جوان و علاقه‌مند بودم و انتظارم از رشته علوم سیاسی این بود که هم دانش منظم و مستقل و سامان‌مندی درباره عرصه سیاست و پدیده‌های سیاسی به دست دهد و هم این‌که، پس از دستیابی به آن دانش و فراغت از تحصیل، نیاز مبرمی به وجود دانش‌آموختگانی چون نگارنده در جامعه احساس شود.

فکر می‌کردم دانشجویان در هر رشته‌ای درس‌هایی می‌خوانند تا نیازی را برآورده کنند یا مشکلاتی را در سطح فرد یا جامعه بگشایند و در نتیجه به کاری بیایند. هدف نهایی از تحصیل در رشته حقوق تربیت قاضی و وکیل است، غایت اصلی مطالعات در رشته پزشکی تربیت پزشک برای درمان دردهاست، و هدف رشته مهندسی تولید کارشناس برای ساخت و ساز است. بنابراین، هر علم و دانشی باید هدف و غایتی داشته باشد و نیازی را برآورده کند. پرسش نگارنده این بود که پس غایت و نهایت و هدف فراگیری دانش سیاست چیست. به نظرم می‌رسید که چون خود سیاست با عمل و تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی سروکار دارد پس دانش سیاست هم باید تماماً معطوف به همان هدف باشد. شاید هدف برخی رشته‌ها مثل فلسفه و تاریخ فقط ارضاء حس کنجکاوی آدمی باشد اما به نظر نمی‌رسید که دانش سیاست فقط در پی ارضای چنان نیاز و حسی باشد و صرفاً بخواهد توضیحاتی درباره پدیده‌ها بدهد. تصور این بود که دانش سیاست، برخلاف فلسفه و تاریخ و فیزیک و همانند پزشکی و مهندسی، صرفاً نباید در پی توضیح امور و پدیده‌ها باشد بلکه غایت و هدفش باید از جنس همان غایت و هدف خود سیاست باشد و بکوشد تا آگاهی لازم از آن غایات و اوسایل رسیدن به آن‌ها را بیاموزد. در آن صورت، دانش آموختگان علوم سیاسی هم مانند حقوقدانان و پزشکان و مهندسان، صاحب مهارت‌ها و قابلیت‌های عملی و ویژه‌ای می‌شدند و به درد جامعه و حکومت هم می‌خوردند؛ به‌ویژه چون در بیشتر زمان‌ها و مکان‌ها سیاست‌مداران و دولتمردان از جمله دانش آموختگان سیاست نبوده و نیستند.

توقعی که از علوم سیاسی داشتیم از این دست بود هر چند امکان بیان آن به روشنی و وضوحی که در بالا آمد، طبعاً در آن زمان میسر نبود. در مقایسه با آن انتظار و توقع، در عمل با گذراندن هر درسی و با گذشت هر نیم سالی بر نومییدی و سرخوردگی نگارنده افزوده می شد. اول تصور این بود که به تدریج ساختمان نظری دانش سیاست نمایان خواهد شد و پس از آن مهارت های عملی مورد انتظار از راه خواهد رسید. با این حال، در عمل مجموعه ای ناموزون از درس های پراکنده و کم ارتباط عرضه شد که خصلت حقوقی و تاریخی و فلسفی، داشتند و شاید هر یک به طور جداگانه به حقوقی اندیشیدن یا تاریخی فکر کردن و یا فلسفی اندیشیدن یاری می رساند ولی هیچ یک جداگانه یا در مجموع به سیاسی اندیشیدن به معنایی که نگارنده انتظار داشت نمی انجامید؛ و البته بدون پرورش دادن شیوه سیاسی اندیشیدن، خبری از دستیابی به مهارت های نامبرده هم نمی توانست در کار باشد.

بدین سان به نظر می رسید که رشته علوم سیاسی چیزی جز مجموعه ای از لاشه هایی که از رشته های دیگر، به ویژه تاریخ و حقوق، گرفته شده بودند چیزی در بر نداشته باشد. تصور نگارنده از درس اندیشه سیاسی، برای نمونه، این بود که در آن شیوه اندیشیدن به سبک سیاسی (مثل شیوه اندیشیدن به سبک منطقی) آموزش داده شود اما طبعاً آن درس چیزی جز تاریخ اندیشه های دیگران نبود. دست کم این که در آن زمان گمان نمی کردم که این همه انتظاری بیش از حد و توقعی بی جا باشد. احساسی که به طوری مبهم پس از فراغت از تحصیل داشتیم احساس بطلان و به هدر رفتن بهترین سال های

جوانی بود. نه شناختی از مهم‌ترین حوزه زندگی اجتماعی انسان، یعنی سیاست، نصیب شده بود و نه مهارت‌هایی که مورد نیاز دیگران باشد به دستم آمده بود.

با این همه، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفتم. سال‌های تحصیل در آن کشور هم‌زمان بود با گسترش دامنه علم سیاست اثباتی، یا مکتب رفتارشناسی در سیاست، در باخترزمین. در طی آن سال‌ها این مکتب با تأکید بر روش علمی به تدریج ذهن نگارنده را از دانش مطلوب سیاستی که پیش‌تر پایمال نگرش‌های تاریخی و حقوقی شده بود به سوی نگرش علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی رفتاری و اثباتی کشاند و، به شیوه دیگری، از حوزه سیاسی اندیشیدن و حوزه سیاست، به معنای دست‌یابی به غایات با کاربرد وسایل، دور کرد و به جای حرکت در جهت کسب مهارت‌های مورد انتظار از دانش سیاسی، به سوی مهارت‌های علمی در توضیح و تبیین پدیده‌ها سوق داد. باز هم از مهارت‌های سیاسی که قاعدتاً می‌بایست، بر طبق پندار نگارنده، احساس نیاز به دانش‌آموختگان علوم سیاسی را در جامعه و حکومت ایجاد کند خبری نبود. علم سیاست جدید و اثباتی و رفتاری در نهایت به سیاست‌زدایی از دانش سیاسی می‌انجامید و من هم دستخوش همان موج خیزان بودم.

پس از بازگشت به ایران شیوه علم سیاست اثباتی و رفتاری را در طی دو دهه در کارهای آموزشی و پژوهشی خود، فارغ از دغدغه‌های سیاسی و عملی، به کار بردم اما به تدریج به مشکل اصلی این نوع علم سیاست که همان جدایی علم سیاست از سیاست بود، به‌ویژه تحت تأثیر مسائل و دغدغه‌های سیاسی در ایران، پی بردم و سرانجام

کوشیدم با نگارش کتاب‌هایی که از حدود علم سیاست اثباتی فراتر می‌رفت و به آنچه اکنون سیاستگری می‌نامم نزدیک می‌شد، تا حدی رسالت دیرین سیاست به منزله حکمت عملی را احیاء کنم و بار دیگر پندارهای دوره جوانی را، درباره ضرورت سیاسی اندیشیدن در دانش سیاسی (در مقابل علمی اندیشیدن یا تاریخی اندیشیدن و یا جامعه‌شناسانه اندیشیدن) و اهمیت دستیابی به مهارت‌های سیاسی (نه علمی) و پرورش سیاست‌گران به منزله حاصل آموزش علوم سیاسی، در سر بپرورم. اینک در نظر دارم در این کتاب، در ضمن مروری بر تاریخ دانش سیاسی، این تأملات را گردآوری کنم و سازمان دهم.

این کتاب حاوی سه گفتار است. در گفتار نخست، حکمت سیاسی دیرین پیش از پیدایش علم سیاست اثباتی در سده بیستم را توضیح می‌دهیم و به ضرورت احیای برخی از عناصر آن برای دفاع از مقوله سیاستگری اشاره می‌کنیم. در همان گفتار، اشکال تحول حکمت سیاسی کهن را نیز بررسی می‌کنیم. تعبیر دینی حکمت کهن، واژگون‌سازی، و بازسازی نسبی آن، سه شکل اصلی تحول حکمت سیاسی کهن بودند. گفتار دوم درباره گرایش علم سیاست اثباتی جدیدی است که، در سده بیستم، نخست در باختر زمین و سپس در بقیه جهان استیلا پیدا کرد. در آن گفتار، اندیشه‌های دو تن از نمایندگان بزرگ اثبات‌گرایی در دانش سیاسی را بررسی می‌کنیم و سپس نقدهای عمده بر علم سیاست اثباتی و زمینه‌های زوال نسبی آن را توضیح می‌دهیم. در گفتار سوم، نخست زمینه‌های گرایش به احیای دانش سیاست را با مروری بر کوشش‌های فکری سه

اندیشمندان برای احیا و بازسازی برخی از عناصر حکمت سیاسی دیرین توضیح می‌دهیم و سپس محتوا و آموزه‌های دانش سیاست‌گری یا علم سیاست تجویزی را بررسی می‌کنیم. همین جا باید خاطر نشان سازم که این کتاب مبتنی بر ذهنیات و تأملات و برداشت‌های خود نگارنده است و تحقیق و پژوهش به معنای مرسوم نیست.

WWW.30book.com

گفتار نخست

تحول حکمت سیاسی در فرایند تاریخ

در این گفتار توضیح می‌دهیم که دانش سیاست به‌عنوان حکمت عملی در اندیشه پیشینیان با دانش‌های نظری محض تفاوت بنیادینی داشت و به جای صرف توضیح امور و پدیده‌ها به غایات و اهداف زندگی انسان می‌اندیشید و از یک سو در پی شناخت بهترین وسایل و ابزارهای دستیابی به آن اهداف برمی‌آمد و از سوی دیگر شناخت موانع موجود بر سر راه تحصیل آن غایات را لازم می‌شمرد. در همین گفتار سیر تاریخی تحول حکمت سیاسی و اشکال گوناگون ظهور آن را نیز توضیح می‌دهیم.

هبانی حکمت سیاسی دیرین

۱ افلاطون و ارسطو

در این کتاب ما صرفاً با نقشه بسیار بزرگ دانش سیاسی سروکار داریم و در آن فقط قاره‌ها را می‌بینیم و با کشورها و شهرها و روستاها سروکاری نداریم. هدف ما ترسیم نقشه قاره‌های فکری بزرگی است که در جهان دانش سیاست پدید آمده‌اند. نخستین قاره ما حکمت سیاسی دیرین است که دیدگاه‌های اندیشمندان یونانی و رومی و ایرانی و اسلامی را درباره دلایل اهمیت و شأن نزول سیاست و دانش سیاسی در برمی‌گیرد. اندیشمندانی چون سقراط و افلاطون و ارسطو و فارابی و ابن سینا، با همه اختلاف نظرها و تفاوت‌ها، همگی در این قاره فکری زیست می‌کنند. همانندی آن‌ها هنگامی آشکار می‌شود که دیدگاهشان را با قاره‌های فکری دیگر بسنجیم. هدف ما در این گفتار صرفاً بازنمایی همانندی‌های آن‌هاست، تا نا همانندی‌هایشان با اهالی قاره‌های دیگر روشن شود.

اندیشه بنیادین در حکمت سیاسی دیرین این بود که سیاست

اهداف و غایات زندگی سیاسی چیست؟ چگونه و با چه ابزاری می‌توان به آن اهداف دست یافت؟ دکتر حسین بشیریه در احیای علوم سیاسی: گفتاری در پیشه سیاستگری می‌کوشد توضیح دهد که چرا در سدهٔ اخیر «علوم سیاسی» از مواجهه با چنین پرسش‌هایی اجتناب می‌کند. به باور او، با استیلای اثبات‌گرایی و رفتارگرایی بر حوزهٔ مطالعات سیاسی و تأکید بر «توضیح و تبیین» زندگی سیاسی به جای تدبیر و اصلاح و تغییر آن، دانش سیاست رسالت و فایدهٔ خود را از دست داده است. در دانش انسانی سیاست جنبه‌های متنوع زندگی سیاسی به «داده‌های عینی و بی‌روح تقلیل می‌یابد و علوم سیاسی، بر اثر غفلت از غایات و اهداف و پرهیز از تأمل در راه‌های نیل به زندگی عادلانه و در شأن کرامت انسانی، به دانشی بی‌معنا و بی‌ثمر بدل شده است. تألیف این کتاب تلاشی در راه احیای سیاست به منزلهٔ حکمت عملی و دانش تجویزی است.

ISBN 978-964-185-556-9



9 789641 855569



نشرنی